

بررسی خشونت کلامی علیه زنان در نثر سینمای دهه‌های هشتاد و نود خورشیدی بر اساس نظریه بی‌ادبی کالپیر

کتایون کیانپور^۱، بهزاد رهبر^{۲*}، محمدرضا اروجی^۱

۱- گروه زبان‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲- گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۵، شماره پی‌دی‌آی ۱۲۱، صص ۸۳-۶۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8158>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: امروزه شاهد انواع خشونت‌ها در سطح جامعه هستیم که یکی از آنها خشونت کلامی است. زنان در جامعه امروز از قربانیان اصلی خشونت کلامی محسوب می‌شوند. سینما بعنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای انتقال فرهنگ و بیان ایده‌ها می‌تواند بخشی از هنجارهای اجتماعی را بازتاب دهد و بستری مناسب برای ارائه تحلیل‌های جامعه‌شناسی باشد. دو اثر سینمایی از دهه هشتاد و دو اثر سینمایی از دهه نود با تمرکز بر زندگی قشر پایین و حتی متوسط و توجه ویژه بر امر زنان قابلیت ارائه تحلیلی جامعه‌شناسی را فراهم آورده‌اند.

روشها: این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری هدفمند بهره می‌برد. جامعه آماری این پژوهش شامل چهار فیلم سینمایی بلند داستانی تولیدشده در دهه هشتاد و نود است که نمایانگر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و زبانی در سینمای ایران هستند و در چارچوب نظریه بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. این پژوهش با توجه به اهمیت مسئله خشونت کلامی علیه زنان به بررسی گفتمان شخصیت‌های این چهار اثر پرداخته تا وجود و نحوه بازنمایی این شکل از خشونت را مورد تحلیل قرار دهد. هدف نخست این پژوهش یافتن انواع بی‌ادبی‌های کلامی در مواجهه با زنان است. هدف دوم نیز به بررسی چگونگی تأثیرگذاری بافت اجتماعی مرتبط با بی‌ادبی کلامی علیه زنان پرداخته است. برای رسیدن به این اهداف نظریه بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) که بر اساس هنجارهای اجتماعی تعریف می‌شود بعنوان روش تحقیق انتخاب شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که زنان قشر پایین و حتی متوسط در سینما با استفاده از مضامینی چون دروغ، طلاق، تجاوز و مالکیت مردانه در بافت اجتماعی مورد خشونت کلامی واقع می‌شوند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که بین متغیر اجتماعی جنسیت و راهبردهای بی‌ادبی در فیلم‌های سینمایی دهه هشتاد و نود رابطه معنادار وجود دارد و مردان بیشتر از زنان از انواع بی‌ادبی‌های کلامی استفاده کرده‌اند. افزون بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که از میان پنج الگوی بی‌ادبی کلامی، بی‌ادبی مثبت و بی‌ادبی منفی رایجترین انواع بی‌ادبی کلامی بکاررفته علیه زنان در سینمای دهه هشتاد و دهه ۹۰ هستند که الگوی نخست بیشتر علیه زنان طبقات متوسط و الگوی دوم علیه زنان طبقه پایین استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: در این فیلم‌ها، علیرغم تأثیر بافت اجتماعی در وجهه زنان و مردان، آنان به شیوه‌های مختلف سعی در بازنمود هویت خود داشته‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند در پژوهش‌های علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، کاربردشناسی، تعیین خط‌مشی‌ها و اولویتهای تولیدات رسانه‌ای و نقد فیلم سودمند باشد.

تاریخ دریافت: ۲۰ دی ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۲ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۰۷ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

بی‌ادبی، تفاوت جنسیتی، خشونت کلامی، سینمای معاصر، کالپیر

* نویسنده مسئول:

behzadrahbar@atu.ac.ir

(۲۱ ۹۸۰+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Representation of Verbal Violence against Women in the Cinem of the ۸۰'s and ۹۰'s Based on Culpeper's Theory of Impoliteness

K. Kiyanpour¹, B. Rahbar*², M.R. Ouroji¹

1- Department of Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2- Department of Linguistics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 January 2026
Reviewed: 11 February 2026
Revised: 26 February 2026
Accepted: 10 April 2026

KEYWORDS

impoliteness, Iranian cinema,
Jonathan Culpeper, verbal violence

*Corresponding Author

✉ behzadrahbar@atu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Cinema, as one of the most powerful means of cultural transmission and expression of ideas, can reflect certain aspects of social norms. Violence is one of the most important issues in human societies that exists in overt and hidden forms. One of the important types of hidden violence is verbal violence. Women are one of the main victims of verbal violence. The power imbalance as well as the existence of certain social norms lead to this violence against women. The aim of this study is to investigate patterns of impoliteness which aim to destroy the positive and negative face of people within the framework of Culpeper's Impoliteness.

METHODOLOGY: This research employs a purposive and nonrandom sampling method. The statistical population consists of all feature-length narrative films produced in Iranian cinema of the ۱۹۸۰'s and ۱۹۹۰'s. To narrow the scope, four social realist films representing cultural, social, and linguistic changes in Iranian cinema were selected and analyzed within the framework of Culpeper's Impoliteness Theory. The themes of lies, economic problems, divorce, child custody, abortion, right to work and social context were recognized as central themes reflecting violence against women in them.

FINDINGS: The findings reveal that among the five patterns of verbal impoliteness, positive and negative impoliteness were the most prevalent, with positive impoliteness mainly targeting middle-class women, and negative impoliteness directed at lower-class women.

CONCLUSION: In these films, women attempt in various ways to represent and assert their identities. The results of the study can be beneficial for research in social sciences, linguistics, pragmatics, media policy-making, and film criticism.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8158>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 4	 4

مقدمه

مهمترین وظیفهٔ زبان به منزلهٔ نهاد اجتماعی، برقراری ارتباط میان سخنوران است. در فرآیند ارتباط زبانی، طرفین گفتگو سعی میکنند ادب را حفظ کنند. رعایت ادب در قالب زبان و در بافتهای گفتمانی خاص، نشانگر جایگاه اجتماعی سخنگویان، سطح روابط میان آنان و از همه مهمتر متضمن حفظ روابط است. به دیگر سخن، مادامی که رعایت ادب بخشی از کنش زبانی سخنگویان زبان فارسی را تشکیل دهد، میتوان مطمئن بود که زبان «نقش ارتباطی»^۱ خود را به خوبی ایفا می‌کند. هاوس (۲۰۰۵) معتقد است که ادب یکی از بنیادیترین توصیه‌های اجتماعی - روانی برای رفتار انسانی است. وی گفتار مؤدبانه را شیوه‌ای بی‌نشان در سخن گفتن میداند چون یک هنجار است. اما ادب افراطی و بی‌ادبی نشاندار است و مورد توجه قرار میگیرد. بی‌ادبی کلامی نوعی خشونت کلامی است که بعنوان یکی از رفتارهای انسانی شناخته میشود که در جوامع مختلف صورتهای متفاوتی دارد و خود پیش‌نیازی برای انواع خشونتها مانند خشونت فیزیکی است (استنس، ۱۹۹۰ و دیویس و هری ۱۹۹۶).

امروزه پژوهشهای بسیاری با رویکردهای مختلف به بررسی نقش زبان در بازتولید کلیشه‌های جنسیتی میپردازند و با رشد مطالعات فمینیستی کثرت و تنوع در این حوزه مطالعاتی بمراتب افزایش یافته است. سینمای اجتماعی میتواند بعنوان بستری مناسب برای نمایش مسائل روز جامعه از جمله مشکلات و معضلات حاکم بر آن از رهگذر انواع راهبردهای بی‌ادبی عمل کند. پژوهش حاضر به بررسی خشونت کلامی علیه زنان و بررسی تأثیر بافت اجتماعی در بکارگیری راهبردهای بی‌ادبی در گفتگوهای زنان و مردان در چهار فیلم منتخب از سینمای دهه هشتاد و دهه نود ایران میپردازد. این پژوهش از شیوهٔ نمونه‌گیری هدفمند بهره میبرد.

بیان مسأله

سینما به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای انتقال فرهنگ در عصر حاضر، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف بوده است. در جامعه ایران، سینما نقشی دوگانه ایفا میکند؛ از یک سو، بازتادهنده ارزشها، باورها و هنجارهای اجتماعی است و از سوی دیگر، در شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر آنها نقش فعالی دارد. در سینما، مفهوم ادب و بی‌ادبی از طریق ابزارهای مختلفی نظیر گفتگو، شخصیت‌پردازی، قاببندی و حتی سکوت منتقل میشود. با توجه به اینکه سینمای ایران در بستر فرهنگی و اجتماعی مختص خود شکل گرفته و به حیات خود ادامه میدهد، پرداختن به راهبردهای بی‌ادبی در گفتگوهای بازیگران میتواند به رشد و شکوفایی این هنر کمک شایانی بکند. از نخستین کسانی که رویکردی جامع در بیان مفهوم بی‌ادبی ارائه کرد کالپیر (۱۹۹۶) بود. کالپیر بی‌ادبی را اخلاک‌گر ادب توصیف میکند و به همین دلیل راهبردهای بی‌ادبی را در ارتباط با رویکرد ادب بیان میکند. نظریه بی‌ادبی کلامی در پیوند تنگاتنگی با مسئله جنسیت قرار دارد، و کاربست آن در تحلیل آثار سینمایی میتواند اطلاعات بسیاری را در رابطه با متغیری همچون جنسیت در نسبت با زبان آشکار سازد (چالوپنیک و همکاران، ۲۰۱۷: ۵۳۴). لازم به گفتن است که زبان جنسیتزده در هر فرهنگ و دوره‌ای با ویژگیهای منحصر بفرد پدیدار میشود، بنابراین بررسی آثار سینمایی در یک دوره خاص این نکته را آشکار میکند که آنها رویکردی بازتولید کننده به کلیشه‌های جنسیتی داشته یا رویکردی انتقادی را برگزیده‌اند. هدف از این تحقیق بررسی راهبردهای بی‌ادبی کالپیر در فیلمهای سینمایی «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «جدایی نادر از سیمین» از دهه هشتاد و «ابد و یک روز» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از دهه نود و مقایسه آنهاست. با توجه به اینکه فیلمها بازتاب فرهنگ و زندگی افراد

^۱ communicative function

جامعه خود هستند و دارای موضوعات اجتماعی بوده پرداختن به مقوله‌های از این دست حائز اهمیت است. دلیل انتخاب این فیلمها درون‌مایه اجتماعی آنها و وجود بی‌ادبی‌های کلامی در میان مکالمات شخصیت‌های این فیلمها بوده است.

پرسشهای پژوهش

پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به سه پرسش زیر است:

۱. در فیلمهای دهه هشتاد و دهه نود کدامیک از راهبردهای بی‌ادبی کالپیر وجود دارند و بسامد آنها چقدر است؟
۲. رابطه جنسیت شخصیت‌های فیلمهای سینمای معاصر ایران و نحوه بکارگیری راهبردهای بی‌ادبی توسط آنها چگونه است؟
۳. بافت اجتماعی چه تاثیری در بکارگیری راهبردهای بی‌ادبی توسط گروه مردان و زنان در قشرهای مختلف اجتماعی در فیلمهای سینمای معاصر ایران دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند درصدد تحلیل راهبردهای بی‌ادبی در گفتار شخصیت‌های زن و مرد در سینمای معاصر ایران و تأثیر بافت اجتماعی در بکارگیری این راهبردهاست. از این رهگذر، پژوهشگر توانسته با انتخاب آگاهانه فیلمهایی را برگزیند که اطلاعات مرتبط با موضوع پژوهش را ارائه میدهند و محدودیتی برای تعمیم نتایج به کل جامعه ندارند. جامعه آماری این پژوهش شامل چهار فیلم سینمایی بلند داستانی تولیدشده در سینمای ایران در دهه هشتاد و دهه نود است که در چارچوب نظریه بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) تحلیل شده‌اند. این پژوهش با انتخاب بستر سینمای اجتماعی بعنوان یکی از مهمترین هنرهای بازتاب‌دهنده جامعه امروز ایران به دنبال یافتن جلوه‌های بی‌ادبی کلامی آسیب‌زننده به وجهه زنان است. این دهه‌ها توجهی ویژه به مسئله زنان و اعمال خشونت کلامی علیه آنان در طبقات مختلف جامعه و نیز مفاهیمی همچون «غیرت» و «ناموس» دارند. این مفاهیم در دهه‌های اخیر توسط فعالان ایرانی حقوق زنان مورد نقد گسترده قرار گرفته‌اند و تحلیل چگونگی بازنمایی آنها مسئله‌ای دارای اهمیت است. پژوهشگران پس از مشاهده و استخراج انواع بی‌ادبی‌ها از میان مکالمات شخصیت‌های چهار فیلم سینمایی «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «جدایی نادر از سیمین» از دهه هشتاد، «ابد و یک روز» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از دهه نود که دارای درون‌مایه اجتماعی هستند به تحلیل و بررسی آنها پرداخته است. این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روشهای آمار توصیفی بهره برده است. جامعه آماری این پژوهش داده‌های بدست آمده از این چهار فیلم با ۵۱۶ نمونه از راهکارهای بی‌ادبی هستند. مطالعه راهبردهای بی‌ادبی در این رسانه، میتواند رویکردی مناسب برای دست یافتن به شمایی از دنیای ارتباطی توده مردم در بستر زبانی، فرهنگی، اجتماعی باشد و به درک عمیقتری از لایه‌های معنایی و فرهنگی آثار سینمایی کمک کند.

پیشینه پژوهش

رابطه خشونت سینما و تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر یکی از قدیمیترین روابطی است که توجه پژوهشگران بینارشته‌ای حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است و پژوهشهای گسترده و متنوعی که در این حوزه انجام شده است گواهی بر صدق گزاره بالا میباشد. از پژوهشهایی که در مورد بی‌ادبی در آثار مختلف انجام شده میتوان

به آثار محققان خارجی همچون ویکاکسونو (۲۰۱۵)، شوفیا (۲۰۱۵)، کاپور (۲۰۱۶) و آثار داخلی از جمله رحمانی (۱۳۹۳)، محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵)، نامور (۱۳۹۸)، مسلم و قربان صباغ (۲۰۱۷)، میرزایی و حجتی زاده (۱۴۰۰) اشاره کرد که همگی به موضوع بی‌ادبی از ابعاد متفاوتی نگریسته‌اند که بطور خلاصه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

کاپور (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی بی‌ادبی در نظرات کاربران هندی یوتیوب پرداخته است که چگونه نظرات خود را بیان میکنند. پژوهشگر به این نتیجه رسید که زنان و مردان از انواع راهبردهای بی‌ادبی استفاده میکنند که بستگی به بحث و مکالمه آنها دارد. همچنین زنان بیشتر از مردان از بی‌ادبی کنایه‌دار استفاده کرده‌اند و هنجارهای مربوط به جنسیت به ارتباطات آنلاین نیز منتقل شده است. ویکاکسونو (۲۰۱۵) راهبردهای بی‌ادبی کلامی را در سینمای اکشن و با مطالعه موردی دو اثر «بی‌مصرفها» (۲۰۱۰) و «جان‌سخت» (۱۹۹۵) بررسی میکند. در این پژوهش به جنبه اجتماعی راهبردهای بی‌ادبی و همچنین به زمینه آنها توجه ویژه‌ای میشود. یافته‌ها نشان میدهند که ۹۴ بی‌ادبی موجود در این آثار در سه دسته بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی مثبت و بی‌ادبی منفی قرار میگیرند. تفسیری که پژوهشگر از یافته‌های خود میکند این است که افراد شاغل در اصناف خاصی بیشتر در معرض ارتکاب بی‌ادبی کلامی هستند. مثلاً افسران پلیس که در قطب مخالف تبه‌کاران قرار میگیرند، به همان اندازه آنها احتمال ارتکاب بی‌ادبی کلامی را دارند. شوفیا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان کاربرد راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «مثل آب خوردن» به توصیف بی‌ادبی بکار رفته و پاسخی که شخصیتها به آنها میدهند پرداخته است. نتیجه بدست‌آمده حاکی از آن است که راهبردهای بی‌ادبی منفی، بی‌ادبی مثبت، بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی کنایه‌دار و خودداری از ادب در این فیلم بکار رفته‌اند و دیگر شخصیت‌های فیلم در پاسخ به این بی‌ادبی‌ها حمله متقابل انجام داده‌اند. فادلی ایروان (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی راهبردهای بی‌ادبی بکار رفته توسط شخصیت شلدون کوپرز در نمایش «نظریه بیگ بنگ» در مقابل شخصیت اصلی پرداخته است. نتایج بدست‌آمده نشان میدهند که شلدون کوپرز از راهبردهای بی‌ادبی مختلفی مانند بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی مثبت، بی‌ادبی منفی استفاده کرده‌اند و در مقابل شخصیت‌های دیگر در پاسخ به این بی‌ادبی‌ها نشانگرهای ادب را به کار برده‌اند.

کیخایی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود رابطه تعداد و نوع راهبردهای بی‌ادبی با قدرت و جنسیت مخاطب را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش در بین ۱۰۰ دانشجوی گویشور سیستانی انجام گرفته است که با استفاده از راهبردهای بی‌ادبی کالپپر به بررسی داده‌ها پرداخته است. نتایج نشان داد که بین قدرت مخاطب و نوع راهبردهای بی‌ادبی که توسط گویشوران سیستانی به کار رفته است رابطه معنادار وجود دارد. رابطه معنادار بین جنسیت مخاطب و نوع راهبردهای بی‌ادبی بکار برده شده در موقعیت کنش گفتاری درخواست وجود ندارد اما بین قدرت مخاطب و راهبردهای بی‌ادبی در موقعیت کنش گفتاری درخواست رابطه معنادار وجود دارد و همچنین بین جنسیت مخاطب و تعداد راهبردهای بی‌ادبی در موقعیت کنش گفتاری درخواست رابطه وجود دارد. رحمانی (۱۳۹۳) به بررسی قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در ده رمان برگزیده نوجوانان فارسی زبان پرداخته است. نتایج بدست‌آمده از این پژوهش نشان داد که قدرت و ادب رابطه معکوسی با هم دارند، یعنی افراد هر چه از قدرت بیشتری برخوردار باشند از راهبردهای بی‌ادبی بیشتر و هر چه از قدرت کمتری برخوردار باشند از راهبردهای ادب بیشتری استفاده میکنند. همچنین زنان رفتار مؤدبانه‌تری دارند و شخصیت‌های مرد بیشتر از راهکارهای بی‌ادبی استفاده میکنند. محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایشنامه «صیادان» پرداختند. پژوهشگران با استفاده از راهکارهای بی‌ادبی کالپپر به این نتیجه رسیدند که

پرکاربردترین راهکار بی‌ادبی مثبت و کم‌کاربردترین راهکار بی‌ادبی کنایه‌دار بوده است. راهبردهایی که مرکب از چند راهبرد بودند در مرتبه دوم و بی‌ادبی منفی در مرتبه چهارم قرار گرفت. همچنین بی‌ادبی واضح استفاده نشده است. مسلم و قربان صباغ (۲۰۱۷) به بررسی نمایشنامه «پیگمالیون» (۱۹۱۲) اثر جورج برنارد شو از منظر نظریه بی‌ادبی کلامی کالپپر می‌پردازند. آنها به بررسی رفتارهای زبانی دو شخصیت اصلی یعنی الیزا و هیگینز پرداخته و با استفاده از نظریه کالپپر نقش بی‌ادبی کلامی در شیوه پردازش و تکامل این شخصیتها در نمای‌نامه را تحلیل میکنند تا تأثیر طبقات اجتماعی در تمایل به ارتکاب بی‌ادبی را نشان دهند. یافته‌های این پژوهشگران نشان میدهد که الیزا که به طبقات پایین جامعه تعلق دارد - بواسطه شرایط سخت و مشقت باری که در آن زیسته است - بیشتر مرتکب بی‌ادبی مثبت میشود و ارزشهای هیگینز را ارج نمی‌نهد؛ حال آنکه هیگینز که به طبقه مرفه تعلق دارد بواسطه نگاه از بالا به پایین و خودبزرگبینی ناشی از فرادست بودن به لحاظ فکری و مادی راهبردهای بی‌ادبی منفی را انتخاب میکند. نامور (۱۳۹۸) از نظریات کالپپر برای تحلیل جلوه‌های بی‌ادبی کلامی در سریال تلویزیونی «مادرانه» (۱۳۹۲) استفاده میکند. نامور با بررسی ۳۰ نمونه از گفتگوهای این سریال و قرار دادن آنها در دسته‌بندی پنجگانه کالپپر به این نتیجه میرسد که بی‌ادبی آشکار پرکاربردترین نوع بی‌ادبی کلامی در سریال است. تفسیر نامور از این یافته‌ها چنین است که ثروت، قدرت و بی‌ادبی رابطه مستقیم دارند؛ به این معنا که هر چه ثروت شخص بیشتر شود قدرت او نیز بمراتب بیشتر شده و متعاقباً احتمال ارتکاب بی‌ادبی کلامی او نیز افزایش مییابد. میرزایی و حجتی‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی برای بررسی بی‌ادبی کلامی در بخش نخست «بو مسلم نامه ابو طاهر طوسی» بر پایه نظریه کالپپر به تبیین جایگاهها و چرایی راهبردهای بی‌ادبی در داستان می‌پردازد. نتایج این پژوهش گواه بر این است که تنها سه راهبرد بی‌ادبی در این اثر وجود دارد: بی‌ادبی مثبت، بی‌ادبی منفی و کنایه‌دار. در این میان بی‌ادبی مثبت بیشترین و کنایه‌دار کمترین بسامد را دارند. علت این امر بنا به تفسیر پژوهشگران جمع‌مدار بودن فرهنگ آن دوران است. آنچه در این پژوهش جالب توجه است این است که پژوهشگران منکر وجود رابطه‌ای میان قدرت و بی‌ادبی در این اثر هستند؛ به این معنا که افراد فرادست و فرودست در رویارویی با یکدیگر به صورت تقریباً یکسانی از راهبردهای بی‌ادبی استفاده میکنند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که برخلاف دیگر پژوهشها به مقایسه استفاده از راهبردهای بی‌ادبی در دو دهه متفاوت در دو قشر مختلف جامعه پرداخته است.

چارچوب نظری

کالپپر بی‌ادبی را پدیده‌ای فرض میکند که برخلاف مفهوم ادب شامل راهبردهایی است که نشانگر ناهماهنگی اجتماعی هستند و برای حمله به وجهه طراحی شده‌اند که موجب مشاجره و ناهماهنگی میشوند. همچنین به این نکته نیز اشاره میکنند که بی‌ادبی زمانی بوجود می‌آید که؛ ۱. گوینده عمداً به وجهه مخاطب حمله کند. شنونده رفتار گوینده را عمدی تلقی کند. ترکیبی از این دو اتفاق بیفتد. کالپپر نظریه بی‌ادبی کلامی خود را در دو بخش ارائه نمود؛ بخش نخست را در سال ۱۹۹۶ بیان نمود و دسته‌بندی پنجگانه‌ای را برای آن در نظر گرفت که شامل بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی مثبت، بی‌ادبی منفی، بی‌ادبی کنایه‌دار و امتناع از ادب است. وی در سال ۲۰۱۱ با تمرکز بیشتر بر مفهوم «وجهه^۱» و نیز جایگاه اجتماعی فرد، بخش دوم نظریه بی‌ادبی کلامی را ارائه کرد. در زیر به بررسی انواع بی‌ادبی کلامی آنگونه که کالپپر ارائه کرده، پرداخته میشود.

^۱ face

بی‌ادبی آشکار

چنانکه گفته شد بی‌ادبی زمانی رخ میدهد که فرد به وجهه دیگری آسیب میزند. بی‌ادبی آشکار زمانی رخ میدهد که فرد عامدانه و به صراحت و با آگاهی کامل از آسیب دیدن وجهه طرف مقابل، وجهه او را مورد تعرض قرار دهد. در این وضعیت طرفین بر اهمیت مسئله وجهه کاملاً آگاه هستند و بر اساس همین خودآگاهی یکی تعرض میکند و دیگری مورد توهین قرار میگیرد. تعمد و صراحت در بی‌ادبی در این الگو ناشی از همین مسئله خود آگاهی است.

بی‌ادبی مثبت

نیاز وجهه مثبت نیاز فرد به پذیرفته شدن، تایید و یا تشویق شدن دست کم از سوی تعدادی از اطرافیان خود است. بی‌ادبی مثبت نادیده انگاشتن این نیاز در فرد مقابل است، به این معنا که فرد شخص مقابل را نادیده گرفته از تمجید وی خودداری کرده و چه بسا او را کلاً به رسمیت نشناسد. راهبردهایی در این راستا مورد استفاده قرار میگیرند که برخی از آنها شامل نادیده انگاشتن یا بی‌محل کردن فرد مقابل، ممانعت از ورود او به یک فعالیت و یا اخراج او از آن، عدم معاشرت با فرد، بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی و عدم همدردی نسبت به رنجهای او است.

بی‌ادبی منفی

نیاز وجهه منفی نیاز فرد به حفظ حریم خصوصی و عدم دخالت دیگران در فضای شخصی اوست، به این معنا که فرد دارای حداقلی از استقلال نسبت به جامعه پیرامون باشد. بی‌ادبی منفی لحظه‌ای است که دیگران با تعرض به حریم شخصی فرد و دخالت در آن وجهه او را تنزل بخشیده و استقلال فردی او را زیر سؤال ببرند. تعدادی از راهبردهای این الگو عبارتند از ترساندن، تحقیر و ریشخند کردن، تعرض به فضای شخصی، تقلیل فرد به یک ویژگی منفی در وجودش، علنی‌سازی بدهکاریهای شخص و تحت منت قرار دادن اوست.

بی‌ادبی کنایه‌دار

در این الگو وجهه به صورت کنایه‌آمیز ناصادقانه و غیرهمدلانه مورد تعرض قرار میگیرد، به این معنا که فرد در واکنش به عملی از سمت طرف مقابل از الفاظ مؤذبانه استفاده میکند و در ظاهر مراتب ادب را به جا می‌آورد اما در باطن منظورش دقیقاً متضاد آن است. مثلاً وقتی کسی کار اشتباهی انجام میدهد شخص با کنایه میگوید دستت درد نکنه.

امتناع از ادب

امتناع از ادب پرهیز از انجام رفتار مؤذبانه در جایی است که انتظار چنین رفتاری می‌رود، یعنی زمانی که فرد میبایست در واکنش به رفتار طرف مقابل رسم ادب را به جا بیاورد، اما چنین نمیکند. مثلاً گاهی فرد در حق طرف مقابل لطفی میکند اما او از تشکر و قدردانی امتناع ورزیده تا وجهه آن فرد را مورد حمله قرار دهد.

بافت اجتماعی

کالپیر در بخش دوم نظریه خود پیرامون بی‌ادبی کلامی به سمت تأکید بیشتر بر هنجارهای اجتماعی سوق پیدا کرد. کالپیر هنجارهای اجتماعی را همان بایدهای اجتماعی (کالپیر، ۲۰۱۱: ۳۶) در نظر میگیرد که بافتهای اجتماعی بسیار متنوعی را سرشار از خود کرده و با معیارهای اخلاقی پیوند خورده‌اند. در دل این فضای هنجارمند است که ادب و بی‌ادبی معنی پیدا میکند. ادب حرکت در امتداد هنجارها و بی‌ادبی تخطی از آنها است (همان ۳۷). اما آنچه احتمالاً بیشتر از هر مورد دیگری پژوهش سال ۲۰۱۱ کالپیر را از کارهای پیشین خود متمایز میکند، پرداختن به مسئله گفتمان قدرت است. او استدلال میکند که میان قدرت، ادب و بی‌ادبی روابطی وجود دارد که همواره به حفظ وجهه طرف قدرتمندتر منجر میشود؛ به این معنا که هر چه قدرت فرد در نسبت با طرف

مقابل بیشتر باشد احتمال ارتکاب بی‌ادبی در او بیشتر است و هر چه قدرت نسبی فرد بیشتر باشد، با ادب بیشتر و مطابق با آن با بی‌ادبی کمتری مواجه خواهد شد (کالپیر، ۲۰۱۱: ۱۹۲). بنابراین چنانکه مینماید ادب و بی‌ادبی نیز همچون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی خود بازتولیدکننده و همچنین برآیندی از مناسبات قدرت در سطح جامعه است.

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از چهار فیلم سینمایی اجتماعی معاصر فارسی از دهه هشتاد و نود به‌عنوان داده استفاده شد. این فیلمها از نویسندگان زن و مرد گزینش شدند. گفتگوهای مستخرج از فیلمها بر اساس چارچوب نظری پژوهش یعنی اصل بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) و بر اساس پرسشهای پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. فیلمهای منتخب با ارائه نمونه گفتگوها از سکانسهای از «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «جدایی نادر از سیمین» از دهه هشتاد و «ابد و یک روز» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از دهه نود و بر اساس نظریه «بی‌ادبی زبانی» به تحلیل مفاهیم وجهه «مثبت»، «منفی» و راهبردهای بی‌ادبی در آنها و تاثیر بافت اجتماعی در بکارگیری این راهبردها مورد بررسی قرار گرفتند. نخست خلاصه فیلمها و سپس تحلیل آنها ارائه میگردد.

الف) خلاصه فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم»

شخصیت اصلی فیلم دختر ۱۵ ساله‌ای بنام ترانه پرنیان است. ترانه مادرش را از دست داده، پدرش در زندان است و با کار نیمه‌وقت در یک عکاسی از مادر بزرگ پیرش نگهداری میکند. او پس از آشنایی با پسری بنام امیرحسین و علیرغم تردیدهایی که دارد با امیرحسین نامزد و صیغه محرمیت میان آنها جاری میشود. به تدریج روابط آن دو تیره شده و ترانه پس از مشاهده بی‌بندوباریهای امیرحسین از او جدا میشود اما کمی بعد متوجه میشود که از امیرحسین باردار شده است. حالا ترانه ناچار است بحرانهای بعدی را به‌تنهایی از سر بگذراند.

نمونه (۱) گفتگو از سکانس آغازین فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» (رفتن به ملاقات پدر در زندان)

سرباز: شما برین توه، تو چند سالته؟

راهبرد ادبی: ادب منفی (دستوری)، استفاده از فعل امری «برین» بدون مقدمه‌چینی، تهدید واضح به وجهه منفی (آزادی عمل)، پرسش سن بصورت مستقیم و غیرمؤدبانه (تهدید وجهه مثبت). کنش گفتاری: دستور و پرسش غیرشخصی و تأثیر آن ایجاد رابطه قدرت نابرابر (سرباز در موقعیت مسلط) است.

ترانه: من ترانه ۱۵ سال دارم.

راهبرد ادبی: ادب مثبت، پاسخ دقیق و بدون حاشیه، معرفی خود با نام (ایجاد ارتباط شخصی). کنش گفتاری: پاسخ اطلاعاتی و تأثیر آن حفظ وجهه مثبت خود با همکاری است.

سرباز: اونک ک گفتی. اسم زندانی!

راهبرد ادبی: ادب منفی، دستور مستقیم بدون مقدمه و استفاده از زبان محاوره‌ای غیررسمی «اونک ک». کنش گفتاری: درخواست اطلاعاتی تحکمی و تأثیر آن تأکید بر رابطه قدرت نامتقارن است.

ترانه: داوود پرنیان، قبلی منو خوب میشناخت.

راهبرد ادبی: ادب مثبت، ارائه اطلاعات اضافی برای ایجاد ارتباط و اشاره به رابطه شخصی «منو خوب میشناخت». کنش گفتاری: پاسخ اطلاعاتی و ایجاد ارتباط و تأثیر آن تلاش برای متعادل کردن رابطه قدرت است.

سرباز: اون دیگه بازنشست شد رفت.

راهبرد بی‌ادبی: بی‌ادبی نسبی، قطع ارتباط بدون مقدمه و عدم توجه به اطلاعات ارائه‌شده توسط ترانه. کنش

گفتاری: پاسخ غیرمرتبط و تأثیر آن تهدید وجهه مثبت ترانه (عدم تأیید) است.

ترانه: سلام بابا.

راهبرد ادبی: ادب مثبت کامل، سلام گرم و شخصی و استفاده از واژه محبت‌آمیز «بابا». کنش گفتاری: ایجاد ارتباط عاطفی و تأثیر آن تقویت وجهه مثبت پدر است.

پدر ترانه: سلام دختر گلم، حالت خوبه؟

راهبرد ادبی: ادب مثبت، پاسخ گرم به سلام و استفاده از القاب محبت‌آمیز «دختر گلم»، پرسش از حال مخاطب. کنش گفتاری: پاسخ محبت‌آمیز و ابراز نگرانی و آن تأثیر تقویت وجهه مثبت دوطرفه است.

این گفت‌گو به خوبی تضاد بین دو نوع ارتباط را نشان می‌دهد: ۱. ارتباط رسمی و نابرابر (سرباز-ترانه) با تهدید وجهه و استفاده از ادب منفی؛ ۲. ارتباط عاطفی و برابر (ترانه-پدر) با حفظ وجهه مثبت دوطرفه.

نمونه (۲) گفتگو، رویارویی ترانه و مادر امیر درباره وضعیت شغلی و حیثیتی دختر

مادر امیر: امیر از وقتی برگشته آلمان رفته! اصلاً چرا رفتی سر کار؟

مادر امیر با تندی و تشر، اعتبار دختر را زیر سؤال میبرد؛ زبانش صریح، کنترل‌کننده و همراه با تهدید وجهه مثبت است. مادر امیر بدون هیچ ملاحظه‌ای ترانه را مورد بازخواست قرار میدهد. لحن سوالی بکار رفته بیشتر جنبه سرزنش‌آمیز دارد تا پرسش واقعی.

ترانه: دیگه سرکار نمی‌روم. من و امیر دیگه ارتباط نداریم.

ترانه با راهبرد غیرمستقیم پاسخهای سربسته و کوتاه برای کنترل تنش و دفاع از استقلال، بدون درگیر شدن عاطفی میدهد. ترانه به طور کامل وجهه مادر امیر را نادیده میگیرد و پاسخ خود را به شکل مستقیم و بی‌پرده بیان میکند. هیچ تلاشی برای حفظ احترام یا رعایت فاصله‌گیری اجتماعی وجود ندارد.

مادر امیر: من می‌خوام با خانواده‌ات صحبت کنم! باید بدونم با پسر من چه میکنی!

در ادامه، مادر امیر تهدید/سرزنش میکند و نقش خود را در کنترل آینده دختر برجسته میسازد. ترانه بطور کامل درخواست مادر امیر را نادیده میگیرد و پاسخ خود را بشکل بی‌احترامانه ارائه میدهد.

ترانه: هر حرفی هست به خودم بگید؛ دیگر امیر را ندیده‌ام؛ پدر و مادرم نیستند.

ترانه با انکار سلطه و تکرار «هر چی هست به خودم بگید» مسیر را میندازد. این سکانس نمود بارز شکاف نسلی و جنگ قدرت میان زن بالغ سلطه‌محور و دختر نوجوان در حال ساخت هویت مستقل است. این گفتگوها نشاندهنده: الف) فضای پرتنش و تعارض بین ترانه و مادر امیر؛ ب) نادیده گرفتن کامل ادب و احترام متقابل در گفتگو؛ پ) استفاده از زبان مستقیم و بی‌پرده برای بیان درخواستها و پاسخها؛ ت) نمایش نابرابری قدرت و جایگاه اجتماعی بین دو شخصیت و ث) تأکید بر بحرانهای اجتماعی و خانوادگی در جامعه سنتی ایران است.

نمونه (۳) گفتگو از سکانس رویارویی ترانه و مادر امیر درباره مسئله حاملگی

ترانه: من حاملم.

کشمیری: چی؟ چند وقتشه؟ از کیه؟ ...

ترانه: امیر

کشمیری: از کجا بدونم پای کس دیگه‌ای در میان نیست؟

ترانه: یعنی چی خانم کشمیری؟

کشمیری: ولی من پسرمو میشناسم. امیر اون قدر بی‌قاعد نیست که واسه خودش، واسه ما، واسه کسی مشکلی

درست کنه و بی‌گدار به آب بزنه.

ترانه: پس این مشکلو کی درست کرده؟

کشمیری با سوالاتی مانند «چند وقتشه؟ از کیه؟» و «از کجا بدونم پای کس دیگه‌ای در میان نیست؟» بطور مستقیم به وجهه ترانه حمله میکند. این سوالات یک مفهوم ضمنی دارد که ترانه ممکن است بی‌بندوبار باشد یا رابطه‌های دیگری داشته باشد. این رفتار، بی‌ادبی مثبت است زیرا بطور عمدی باعث تهدید وجهه و احساسات ترانه میشود. کشمیری با بیان جمله «ولی من پسرمو میشناسم. امیر اون قدر بی‌قاعدہ نیست...»، سعی میکند مسئولیت را از پسرش بردارد و آن را به گردن ترانه بیندازد. این جمله نشان‌دهنده بی‌احترامی به ترانه و نادیده گرفتن احساسات اوست. کشمیری با این عبارت، بطور کنایه‌آمیزی نشان میدهد که ترانه را قابل اعتماد نمیداند و مسئولیت را به او نسبت میدهد. این راهبرد بی‌ادبی کنایه‌آمیز است که بطور غیرمستقیم وجهه ترانه را هدف قرار می‌دهد. کشمیری در طول مکالمه، هیچگونه همدلی یا حمایتی نسبت به ترانه نشان نمیدهد. او به جای درک شرایط ترانه، او را مورد قضاوت و سرزنش قرار میدهد. در مجموع، کشمیری در این مکالمه از بی‌ادبی مثبت، منفی و کنایه‌دار استفاده میکند تا وجهه ترانه را تهدید کند. این رفتارها بازتابی از نابرابری و بی‌عدالتی در روابط اجتماعی و جنسیتی را نشان میدهد.

ب) خلاصه فیلم «جدایی نادر از سیمین»

این فیلم ساخته سال ۱۳۸۹ فیلمی درباره سیمین» و «نادر» زوجی نسبتاً جوان بوده که به دلیل عدم توافق نظر در مسئله مهاجرت دچار اختلاف شده و تصمیم به جدایی گرفته‌اند. در میان کشمکشهای آن دو بر سر حضانت فرزند، نادر برای مراقبت از پدرش که به آلزایمر مبتلاست، مستخدمی به نام راضیه را استخدام میکند. در جریان سوءظن نادر به راضیه برای دزدن پولهای خانه با راضیه درگیر شده که طی آن راضیه که باردار است، از راه‌پله خانه به پایین می‌افتد. در ادامه او و همسرش «حجت» از نادر به جرم کشتن بچه متولد نشده خود شکایت کرده و دو خانواده مقابل یکدیگر قرار میگیرند.

نمونه (۴) گفتگوها در فیلم «جدایی نادر از سیمین» (دادگاه خانواده)

سیمین: «من می‌خوام از ایران برم، برای آینده ترمه.»

سیمین «آینده ترمه» را به محملی برای گفتگو با نادر تبدیل کرده و دوست دارد از این طریق با همسر خود ارتباط برقرار کند. اما نادر وی را نادیده گرفته و رویکردی غیرهمدلانه و دال بر عدم تمایل به مهاجرت برمیگزیند. سیمین با این جمله، وجهه مثبت خود را بعنوان مادری دلسوز مطرح میکند. اما این جمله تهدیدی برای وجهه منفی نادر است؛ چون تصمیم‌گیری مستقل او را زیر سؤال میبرد. سیمین از راهبرد ادب مثبت استفاده میکند تا حمایت قاضی و مخاطب را جلب کند، اما در عین حال مرتکب کنش تهدیدکننده وجهه میشود.

نادر: «من نمیتونم پدرمو تنها بذارم، اون آلزایمر داره.»

نادر با این جمله، وجهه مثبت خود را بعنوان پسر مسئول معرفی می‌کند. این جمله نیز تهدیدی برای وجهه مثبت سیمین است؛ چون نشان میدهد که او به مسئولیت خانوادگی بی‌توجه است.

نمونه (۵) گفتگوها (ادامه دادگاه)

قاضی: چیزایی که دارین میگین دلیل کافی برای طلاق نیست خانم اگه دلیل دیگه‌ای دارین بفرمایین.

سیمین: چه دلیل دیگه‌ای؟

قاضی: شوهرتون معتاد باشه، کتکتون بزنه، خرجی نده.

نادر: اگه ایشون رفتن اونورو به شوهر و بچه‌اش ترجیح میده من مخالفتی ندارم.

سیمین: بسیار خب ایشون که رضایت میده، تکلیف دخترم چی میشه؟

قاضی: همه چیز باید توافق بشه خانم، دخترتون چند سالشه؟

سیمین: دو هفته دیگه یازده سالش تموم میشه.

قاضی: پدرش اگه اجازه نده نمیتونه با شما بیاد خانم.

سیمین: پدرش اجازه نمیده .

در این نمونه، راهبردهای بی‌ادبی مثبت: نادیده گرفتن حق سیمین از جانب قاضی و کم اهمیت جلوه دادن انگیزه او برای طلاق و بی‌ادبی منفی: تحقیر سیمین از جانب نادر بعلت تصمیم به مهاجرت و رها کردن فرزند و همسر مورد استفاده قرار گرفته است.

نمونه (۶) گفتگوها

راضیه: میشه من شماره شما رو بدم به شوهرم بگم از تو روزنامه پیدا کردم برای همین کارای خونه‌تون و پرستاری اینا بگم بیاد؟

راضیه با استفاده از راهبرد ادب منفی سعی در تهدید وجهه منفی همسر با درخواست غیرمستقیم دارد و با تکنیک پیشنهاد غیرمستقیم با استفاده از پرسش «میشه...؟» به کاهش تهدید به وجهه با توجیه «برای کارای خونه» اقدام میکند.

راضیه: نه من نمیخوام بگم که شما رو میشناسم، نگفتم میام اینجا برای کار.

وی در ادامه با استفاده از تکنیک توضیح اضافی برای کاهش تهدید وجهه در پی حفظ وجهه مثبت خود (به عنوان زن معتبر) و طرف مقابل است. راضیه از راهبردهای غیرمستقیم استفاده میکند تا همسرش را متقاعد کند، وجهه خود را بعنوان زنی مطیع حفظ کند و در نهایت، تهدید به استقلال همسر (وجهه منفی) را کاهش دهد. راهبرد بی‌ادبی مثبت با جلوگیری حجت از کار کردن راضیه ارائه میشود.

نمونه (۷) گفتگوها

حجت: من اصلا باید از این شکایت کنم برای چی بلند شدی قایمکی از من رفتی خونه یه مرد مجرد که اصلا معلوم نیست کی هست. (بی‌ادبی منفی: تهدید و ترساندن راضیه توسط حجت به علت کار کردن پنهانی او) راضیه: من میخوام کمک خرجت باشم. حاج آقا چند ماهه بیکاره

نمونه (۸) گفتگوها

راضیه: روز قبلش یه ماشین بهم زد. بعدش خیلی درد داشتم.

حجت: بیا بریم گناهش گردن (بی‌ادبی مثبت: نادیده گرفتن احساسات و عقاید راضیه از طرف حجت)

بازنمایی خشونت نمادین علیه زنان بیشترین بهره را از بی‌ادبی مثبت و پس از آن بی‌ادبی منفی برده است. این دو نوع بی‌ادبی بیش از انواع دیگر در پی آسیب به وجهه فرد بوده و اعمالی چون تحقیر و نادیده گرفتن فرد را به انجام میرسانند. زنان در سینمای دهه هشتاد با وجود آنکه افرادی کنشگر بنظر میرسند، در بافت جامعه از حقوقی چون انتخاب آزادانه برای مسائلی چون سفر و کار بهره‌مند نیستند. مالکیت زنان بر بدن خود در این فیلم انکار میشود؛ در این فیلم جنین از دست‌رفته در بدن زن تبدیل به ابزاری برای حق‌خواهی مرد میشود. تحلیل نهایی به‌قرار زیر است: ۱. تقابل گفتمانی: راضیه از راهبردهای پیچیده استفاده میکند (ترکیب ادب مثبت و منفی) و

حجت با بی‌ادبی آشکار قدرت خود را اعمال میکند؛ ۲. جنسیت و ادب: راضیه بعنوان زن مجبور به استفاده از راهبردهای غیرمستقیم است اما حجت بعنوان مرد از امتیازات جنسیتی در گفتار استفاده میکند؛ ۳. تحول قدرت: از ادب محافظه‌کارانه به مقاومت پنهان و این نشان‌دهنده تنش بین سنت و مدرنیته در روابط زناشویی است. این گفتگوها به خوبی نشان میدهند که چگونه زنان در جوامع مردسالار مجبور به استفاده از راهبردهای پیچیده برای حفظ وجهه و دستیابی به اهداف خود هستند.

پ) خلاصه فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده»

فیلم مغزهای کوچک زنگ‌زده، داستان باندی از فروشندگان مواد مخدر در جنوب تهران است که بسیاری از جوانان و کودکان بی‌سرپرست را از کوچه و خیابان پناه داده‌اند. شکور، شاهین، شهره و شهروز به همراه پدر و مادرشان، در این آبادی زندگی میکنند. خشونت‌های جامعه و مسائل جنسی مواد مخدر بطوری این خانواده را تحت‌الشعاع قرار داده است که این خانواده از هم می‌پاشند. شکور بچه‌های بی‌خانمان را می‌خرد و پرورش میدهد تا بعدتر در خدمت آشپزخانه باشند، او سال‌هاست شاهین را در آشپزخانه خودش دارد اما به او پر و بال نمیدهد. شاهین کمی شیرین میزند، از آن طرف شهروز با سن کم موقعیت بهتری دارد، شهره هم که خواهر خانواده است مسائل خودش را دارد، اما این همه داستان نیست. این داستان جنایتها و جرمهایی را در دنیای این افراد به وجود می‌آورد...

نمونه (۹) گفتگو از فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده»

شاهین: «میگن اگه چوپون نباشه گوسفندا تلف میشن یا گرگ بهشون میزنه یا از گرسنگی میمیرن چون مغز ندارن. هر کی مغز نداره احتیاج به چوپون داره، یه چوپون دلسوز. چوپون حکم پدر گوسفندا رو داره. آدم بدون پدر هیچی نیست. این چوپونه ما همه گوسفنداشیم. اون به ما میگه کی بریم؟ چیکار کنیم؟ کی پاشیم؟ ...»
 تحلیل این نمونه از چند بُعد امکانپذیر است: ۱. بی‌ادبی و قدرت: کالپیر بی‌ادبی را به عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و سلطه در روابط اجتماعی می‌داند. در این گفتگو، شخصیت با استفاده از تشبیه گوسفندان به انسان‌ها و چوپون به رهبر یا پدر، سعی در تحکیم جایگاه فرادستها بعنوان مراجع قدرت دارد. این نوع بیان، استفاده از راهبرد بی‌ادبی مثبت است که از طریق تحقیر و کوچک شمردن دیگران، قدرت را تثبیت می‌کند؛ ۲. بی‌ادبی و هویت: در این گفتگو، شخصیت با بیان اینکه «هر کی مغز نداره احتیاج به چوپون داره»، هویت افراد را به داشتن یا نداشتن مغز و نیاز به رهبری تقلیل میدهد. این نوع بیان، نوعی بی‌ادبی مثبت است که با تحقیر تواناییهای دیگران، سعی در ایجاد وابستگی و تابعیت در آنها دارد؛ ۳. بی‌ادبی و روابط اجتماعی: در این گفتگو، شخصیت سعی در ایجاد یک رابطه سلسله‌مراتبی و غیرمتقابل دارد. این نوع راهبرد بی‌ادبی روابط اجتماعی به رابطه‌ای یک‌سویه و مبتنی بر سلطه تقلیل داده میشود؛ ۴. بی‌ادبی و زبان: زبان مورد استفاده در این گفتگو، زبانی تحقیرآمیز و کوچک‌کننده است. استفاده از واژه‌هایی مانند "مغز نداره" و "گوسفندا" بطور ضمنی بیان‌کننده این است که افراد بدون رهبر، موجوداتی ناتوان و بی‌اراده هستند.

نمونه (۱۰) گفتگوها

پسر: «شاهین شاهین میگن شهروز چاقو خورده»

شاهین: «بابا میگم چی شده؟ کی زده؟»

شکور: «میگن بازی میکردن رفته تو شکمش»

تحلیل این نمونه از چند جنبه حائز اهمیت است: ۱. بی‌ادبی به مثابه نمایش قدرت و سلطه: شاهین با لحنی آمرانه و پرخاشگرانه «بابا میگم چی شده؟ کی زده؟» واکنش نشان میدهد. این نوع پاسخ، نوعی بی‌ادبی کلامی است که

از موضع قدرت اعمال میشود. او نه تنها از پسر توضیح میخواهد، بلکه با دستور دادن و تحقیر کلامی (استفاده از واژه تحقیرآمیز «بابا» بجای پاسخ منطقی)، جایگاه خود را بعنوان صاحب اختیار محله تثبیت میکند؛ ۲. بی‌ادبی به‌مثابه تحقیر و کوچک‌شمردن دیگران: پاسخ شکور («میگن بازی میکردن رفته تو شکمش») به نوعی بی‌اهمیت جلوه دادن یک حادثه خشونت‌بار (چاقو خوردن شهروز) است. این جمله نشان میدهد که در این جامعه، حتی جراحت و خشونت هم به سادگی و با بی‌تفاوتی روایت میشود. این نوع روایت، خود نوعی بی‌ادبی ساختاری است که خشونت را عادی‌سازی میکند، ۳. بی‌ادبی به‌مثابه زبان خشن و غیررسمی: استفاده از کلماتی مثل «چاقو خورده» (به جای «مجروح شده») و «رفته تو شکمش» (به جای «به او چاقو زده‌اند») نشان‌دهنده زبان کوچه‌بازاری و خشن است که نوعی بی‌ادبی زبانی محسوب میشود؛ ۴. بی‌ادبی به‌مثابه روابط سلسله‌مراتبی: این نشان میدهد که در این جامعه، ارزش انسانها پایین است و فقط قدرت و سلطه اهمیت دارد.

نمونه (۱۱) گفتگوها

شهره: سلام بخشید ترافیک بود، دیر شد.

شاهین: سلام کجایی؟ نشنیدم زنگ زدی.

شهره: شهروز چیکار میکنی؟ شهروز شهروز. شاهین شاهین. شکور گوه خوردم، شکور گوه خوردم. شکور دارم خفه میشم. بابا دارم خفه میشم. گوه خوردم شکور تو رو خدا. شکور تو رو خدا. بابا بابا.

نیاز و جبهه منفی، نیاز شهره به حفظ حریم خصوصی و عدم دخالت دیگران از جمله برادران در فضای شخصی او است، به این معنا که وی حداقلی از استقلال نسبت به جامعه پیرامون داشته باشد. برادران با تعرض به حریم شخصی شهره و دخالت در آن وجهه او را تنزل داده و استقلال فردی او را زیر سؤال می‌برند و از اینرو مرتکب بی‌ادبی منفی میشوند. شاهین با بازخواست شهره در مورد عدم پاسخگویی به تماس او، وی را تهدید میکند. شهره برای حفظ زندگی خود شروع به التماس میکند: «شکور گوه خوردم»، «بابا دارم خفه میشم» که نشان‌دهنده استرس و ناامیدی شدید شهره است. بجای استفاده از جملات محترمانه یا درخواست کمک به شیوه‌ای مودبانه، شخصیتها مستقیماً به بیان خواسته‌های خود می‌پردازند.

این نمونه گفتگوها به خوبی نشان‌دهنده استفاده از راهبردهای بی‌ادبی آشکار، منفی و مثبت در نثر فیلم است. شخصیتها در این فیلم اغلب از زبان توهین‌آمیز و مستقیم استفاده می‌کنند تا خواسته‌های خود را بیان کنند، که این امر به ایجاد فضای پرتنش داستان کمک میکند. این گفتگوها همچنین بازتابی از شرایط روانی و اجتماعی شخصیتها هستند که در موقعیتهای دشوار قرار دارند. برای تحلیل این گفتگو از منظر فرودستی زنان و فرادستی مردان و همچنین خشونت علیه زنان بر اساس نظریه بی‌ادبی کالپپر، باید به نقش‌های جنسیتی، قدرت و تعاملات بین شخصیتها توجه کرد. در این فیلم، برادران بعنوان صاحبان قدرت و خواهر بعنوان گروه فرودست تلقی می‌شوند. این نابرابری‌ها می‌تواند در زبان و تعاملات اجتماعی بازتاب یابد. خشونت کلامی و روانی: بی‌ادبی می‌تواند به عنوان شکلی از خشونت کلامی عمل کند، به ویژه زمانی که از سوی گروه‌های فرادست (مثلاً برادران) علیه گروه‌های فرودست (مثلاً خواهر) استفاده شود. استراتژی‌های بی‌ادبی در تعاملات جنسیتی: نظریه بی‌ادبی کالپپر میتواند برای بررسی چگونگی استفاده از زبان بی‌ادبانه به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت و کنترل استفاده شود. در این گفتگو، نام‌های مذکر مانند شاهین، شهروز و شکور تقابل قدرت در مواجهه با شهره را برجسته میکند. استفاده از زبان توهین‌آمیز: عبارتهایی مانند "گوه خوردم" و "بابا دارم خفه میشم" نشان‌دهنده استرس و ناامیدی شدید هستند. این رفتار که از سوی برادران نسبت به شهره است که می‌تواند بازتابی از فرادستی مردانه و عدم احترام به

زنان باشد. تکرار نام‌ها مانند "شهرز شهرز شهرز" یا "شاهین شاهین" نشان‌دهنده التماس و استناد کمک از برادران باشد و به عنوان فشار روانی تفسیر میشود. برادران شهره (شاهین، شهرز، شکور) با استفاده از زبان بی‌ادبانه، تهدیدآمیز و تحقیرکننده، در حال اجرای یک پروژه قتل ناموسی هستند: ۱. غیرت مردانه به عنوان ابزار سلطه: غیرت در اینجا نه یک ارزش اخلاقی، بلکه ابزاری برای کنترل بدن و زندگی زنان است. تکرار اسامی مردانه (شاهین، شهرز، شکور) نشان‌دهنده اتحاد مردان علیه زن خانواده است. جملاتی مثل "بابا دارم خفه میشم" یا "شکور گوه خوردم"، بیانگر خشم مردانه معطوف به شهره است؛ ۲. شهره: قربانی سکوت اجباری، شهره تنها با یک "سلام" کوتاه حضور دارد و پس از آن صدایش حذف می‌شود. برادران با جملاتِ مقطع و آمرانه، او را به حاشیه می‌رانند. این سکوتِ تحمیلی، نماد حذف فیزیکیِ قریب‌الوقوع اوست. قتل ناموسی به مثابه اوج بی‌ادبی است. قتل ناموسی، تنها یک جنایت فیزیکی نیست؛ بلکه پروسه‌ای از خشونت کلامی، روانی و نمادین است که نظریه بی‌ادبی کالپیر به خوبی آن را آشکار می‌کند.

نمونه (۱۲) گفتگوها

شاهین: «خیابونی آمارتو میدم زندان، شکور آدم بفرسته پی توها!»

این جمله نوعی بی‌ادبی آشکار است که با تهدید صریح همراه است و هیچ تلاشی برای حفظ وجهه ابی ندارد. شاهین با زبان تهدید صحبت میکند، اما این بار تهدیدش بی‌اثر است. استفاده از «آمارتو میدم زندان» نشان‌دهنده زبانِ خشنِ کوچه‌بازاری است که در نظریه کالپیر، نوعی بی‌ادبی مثبت محسوب میشود چون دیگران را با نامی اهانت‌آمیز «خیابونی» صدا میکند. جمله شکور «آدم بفرسته پی توها!» نشان میدهد که او هنوز خود را رئیس میداند، اما در واقع قدرتش در حال نابودی است.

ابی: «... شکور خودش منو فرستاده واسه تو. برو شانس آوردی پیغام داد سرتو نبرم! ...»

این پاسخ، کاملاً بی‌ادبانه و تحقیرآمیز است. ابی نه تنها حرف شاهین را بی‌اعتبار میکند، بلکه او را تهدید به مرگ میکند. عبارت «برو شانس آوردی...» شاهین را به یک فرد ضعیف و نیازمندِ ترحم تبدیل میکند. «سرتو نبرم!» تهدید به قتل بصورت کاملاً آشکار بیان شده است و خشونت کلامی در اوج خود، نشان‌دهنده بی‌ادبی خشن است که در جوامع فروپاشیده رخ میدهد.

شاهین: «آشمال دو روز دیگه اعدامش کردن میخوای چیکار کنی؟»

بی‌ادبی مثبت: دیگران را با نامی اهانت‌آمیز (آشمال) صدا کردن و اینکه پس از اعدام شکور ابی توان اداره زندگی خود را ندارد، در عین حال سعی در نشان دادن بی‌حسی اجتماعی دارد: در این جامعه، حتی اعدام هم تبدیل به حربه‌ای برای تحقیر شده است.

ابی: «آشمالی یکی دیگه رو میکنم. هری بابا! ...»

ابی با راهبرد بی‌ادبی مثبت (مسخره کردن) به شاهین پاسخ میدهد و در ادامه با بیان «هری بابا!» که یک اصطلاح عامیانه (به معنای «دیگه تمومش کن! برو گم شو») است بی‌ادبی آشکار و توهین کامل به شاهین را نشان میدهد. بی‌ادبی در نهایت به خشونت محض تبدیل میشود. وقتی قدرت مطلق میشود، انسانیت از بین میرود. جامعه‌ای که در آن بی‌ادبی حاکم است، محکوم به نابودی است.

ث) خلاصه فیلم «ابد و یک روز»

فیلم سینمایی «ابد و یک روز» مشکلات خانواده‌ای از طبقه پایین جامعه را بازگو میکند که اعتیاد و تنگدستی باعث بروز این مشکلات در خانواده شده است. سمیه دختر این خانواده قرار است با یک مرد افغان ازدواج کند اما

برای این وصلت مردد است چون وضعیت خانه تا حدودی به وجود او وابسته است، مادر پیر و مریضی که سمیه از او نگهداری میکند، خواهران و برادرانی که در حال دعوا با یکدیگر هستند و همین ازدواج سمیه باعث میشود تا مشکلات هر یک از اعضای خانواده پررنگتر شود.

نمونه (۱۳) گفتگوها از فیلم «ابد و یک روز»

مرتضی: «خب؟ چی میگی؟»

سمیه: «قلبم و ایستاد مرتضی.»

راهبرد بی‌ادبی مثبت (به دیگری احساس ناامنی دادن با سکوت کردن یا امتناع از پاسخگویی)

مرتضی: «هیس.»

استفاده از راهبرد بی‌ادبی منفی: بازداشتن دیگران از حقی که دارند، مثلاً پرسش یا درخواست آگاهی از مسائل.

مامان: «ده سال چی؟ چیشده؟ کیه؟»

اعظم: «دختره اس میگه نیاین منو بگیرین خودمو میکشم»

استفاده از راهبرد بی‌ادبی منفی: مسخره کردن دیگران.

مرتضی: «ببین بزار من بهت زنگ میزنم. قربونت. خداحافظ. شما هیس سرتون نمیشه، نه؟ آدم باید خفه شو رو حتماً بگه.»

این جمله نوعی بی‌ادبی مثبت است که با سرزنش کردن یا ایجاد احساس ناامنی با سکوت یا امتناع از پاسخگویی همراه است. مرتضی با این جمله سعی می‌کند احساس ناامنی را در طرف مقابل ایجاد کند و آنها را به خاطر رفتارشان سرزنش کند. جمله «آدم باید خفه شو رو حتماً بگه» بی‌ادبی آشکار است چرا که بطور صریح و بی‌پرده بیان میشود و هدف آن تحقیر یا توهین مستقیم به طرف مقابل است.

اعظم: «عه.»

این جمله نوعی بی‌ادبی منفی است که در موقعیت اعتراض و ابراز ناخشنودی بیان میشود.

مرتضی: «مرگ.»

این کلمه کوتاه و تند، نوعی بی‌ادبی آشکار است که بطور مستقیم بیان میشود و میتواند توهین‌آمیز یا تهدیدآمیز تلقی شود.

مامان: «عه کمش بیا! بیا بگو چیشده؟»

استفاده از راهبرد بی‌ادبی مثبت: مخالفت کردن با کنش مرتضی.

مرتضی: «همه روا! هر چی خورده فروش بوده ریختن بردن. بهرام دزده بود پسر غلام توسلی. ده سال برایش بریدن.» این جملات نیز نوعی بی‌ادبی آشکار هستند زیرا بطور مستقیم و با لحنی سرزنش‌آمیز بیان میشوند. مرتضی در اینجا سعی میکند با اشاره به رفتارهای منفی دیگران، موقعیت را تحقیرآمیز جلوه دهد. مرتضی با بیان عبارت «بهرام دزده» متوسل به راهبرد بی‌ادبی منفی میشود: قرار دادن اسرار دیگران در معرض عام.

نمونه (۱۴) گفتگو

حمال وحشی، هووش (بی‌ادبی مثبت: استفاده از دشواژه، دیگران را با نام اهانت‌آمیز صدازدن)

کی میاد از خونواده‌ای زن بگیره که من و تو اش ولش داداشاشیم (بی‌ادبی منفی: شریک کردن کسی با خود در یک ویژگی منفی)

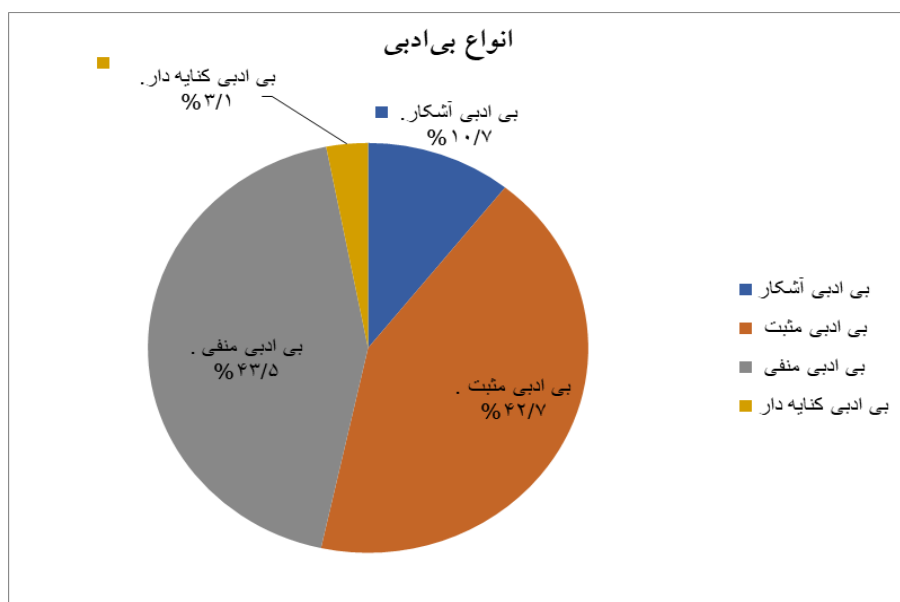
خودش خودشو زده لاتیشو پر کنه (بی‌ادبی منفی: قرار دادن اسرار دیگران در معرض عام)

آدم‌گور به‌گور اون شوهرت بود که مرد شما رو انداخت بیخ ریش من (بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی مثبت: استفاده از دشواژه، بی‌ادبی منفی: مدیون بودن مخاطب را گوشزد کردن)

این پژوهش پس از استخراج انواع راهبردهای بی‌ادبی از میان مکالمات شخصیت‌های فیلم‌های منتخب به تحلیل و بررسی آنها پرداخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آمار توصیفی استفاده کرده است که در جداول زیر ارائه میشوند.

جدول ۱- انواع بی‌ادبی کلامی در فیلم «ابد و یک روز»

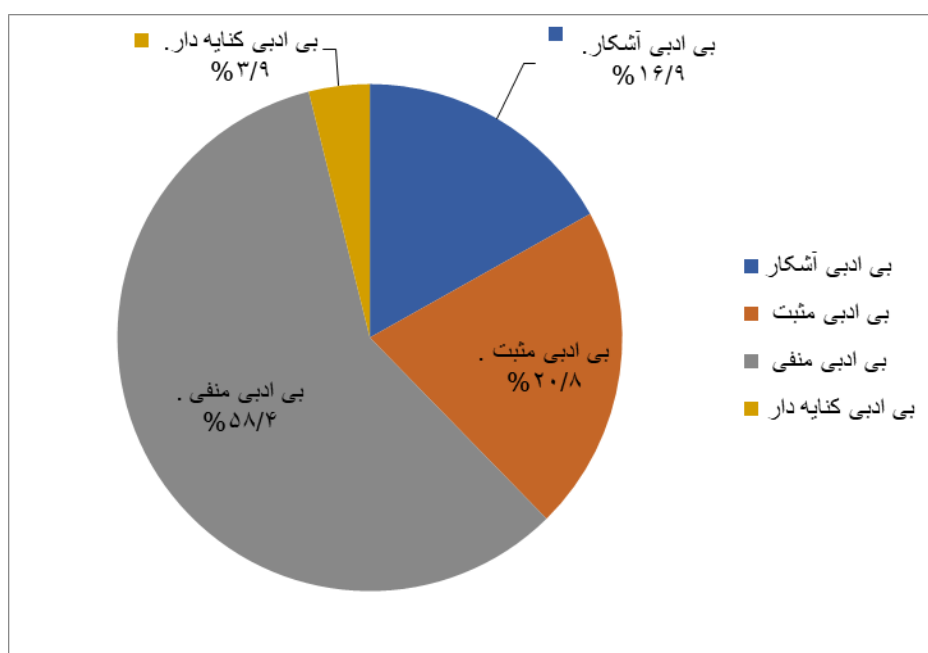
انواع بی‌ادبی	زن	مرد	فراوانی	درصد
بی‌ادبی آشکار	۶	۸	۱۴	٪ ۱۰٫۷
بی‌ادبی مثبت	۹	۴۷	۵۶	٪ ۴۲٫۷
بی‌ادبی منفی	۲۰	۳۷	۵۷	٪ ۴۳٫۵
بی‌ادبی کنایه‌دار	۱	۳	۴	٪ ۳٫۱
جمع کل	۳۶	۹۵	۱۳۱	٪ ۱۰۰



شکل ۱- بسامد انواع بی‌ادبی کلامی در فیلم «ابد و یک روز»

جدول ۲- انواع راهبردهای بی‌ادبی کلامی در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم»

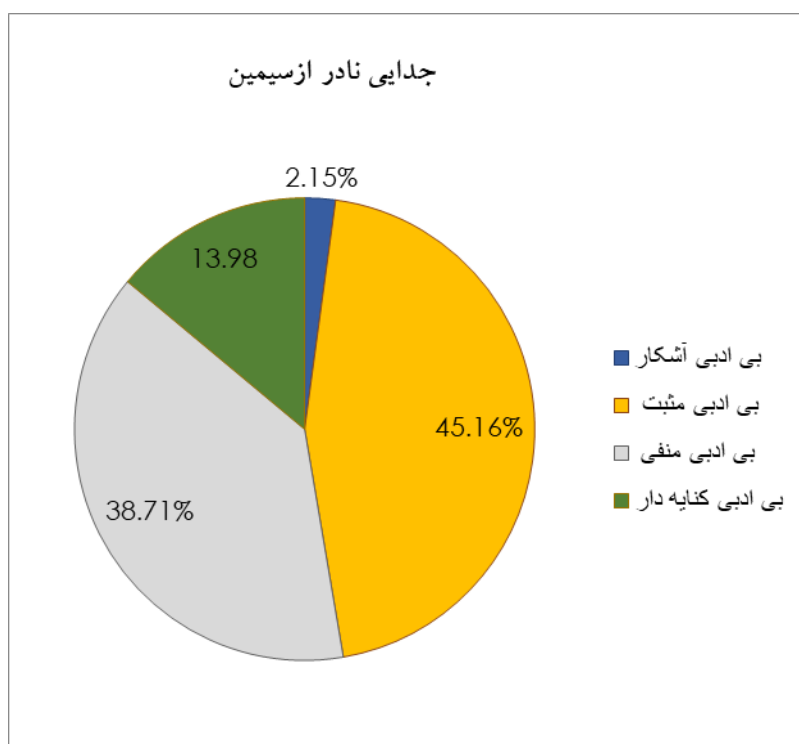
انواع راهبردهای بی‌ادبی	زن	مرد	فراوانی	درصد
بی‌ادبی آشکار	3	10	13	16.8%
بی‌ادبی مثبت	21	24	5۴	58.7%
بی‌ادبی منفی	5	11	16	20.7%
بی‌ادبی کنایه‌دار	2	1	3	3.8%
جمع کل	31	46	77	٪۱۰۰



شکل ۲- بسامد راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم»

جدول ۳- انواع راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «جدایی نادر از سیمین»

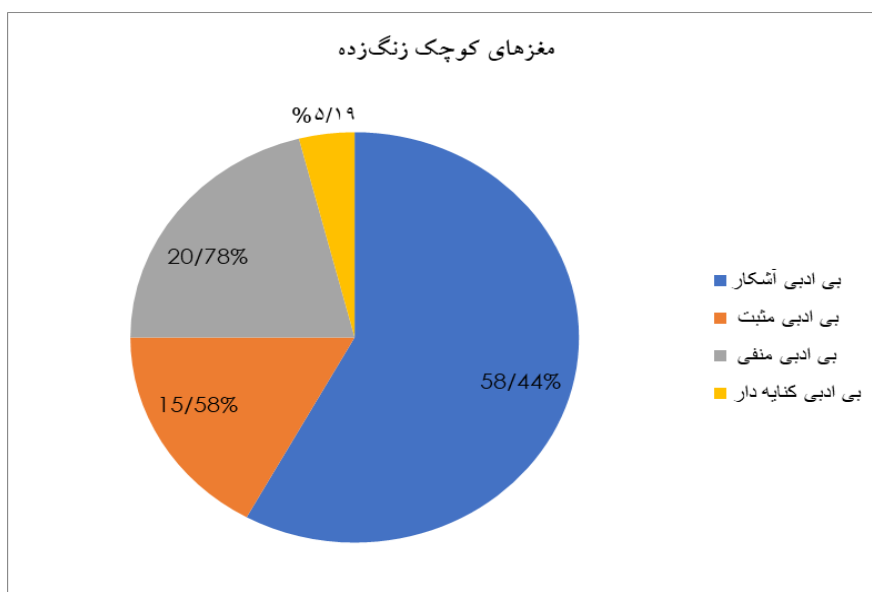
انواع راهبردهای بی‌ادبی	زن	مرد	فراوانی	درصد
بی‌ادبی آشکار	1	۱	۲	٪۲,۱۵
بی‌ادبی مثبت	۱۷	۲۵	۴۲	٪۴۵,۱۶
بی‌ادبی منفی	۱۴	۲۲	۳۶	٪۳۸,۷۱
بی‌ادبی کنایه‌دار	۵	۸	۱۳	٪۱۳,۹۸
جمع کل	۳۷	۵۶	۹۳	٪۱۰۰



شکل ۳- بسامد انواع راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «جدایی نادر از سیمین»

جدول ۳- انواع راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده»

انواع راهبردهای بی‌ادبی	زن	مرد	فراوانی	درصد
بی‌ادبی آشکار	۱۵	۳۰	۴۵	٪۵۸/۴۴
بی‌ادبی مثبت	۶	۱۱	۱۷	٪۱۵/۵۸
بی‌ادبی منفی	۵	۷	۱۲	٪۲۰/۷۸
بی‌ادبی کنایه‌دار	۳	۱	۴	٪۵/۱۹
جمع کل	۲۸	۴۹	۷۷	٪۱۰۰



شکل ۴- بسامد انواع راهبردهای بی‌ادبی در فیلم « مغزهای کوچک زنگ‌زده»

نتیجه‌گیری

زبان‌شناسی اجتماعی به ارتباط میان زبان و جامعه با توجه به متغیرهای اجتماعی می‌پردازد. با توجه به اینکه انسانها روزانه با یکدیگر در ارتباط هستند و این ارتباط دارای چارچوب و قوانینی است که رعایت این چارچوبها بر همه انسانها ضروری است، رعایت ادب نیز یکی از این قوانین است. افراد با توجه به جایگاه و موقعیتی که دارند به هنگام تهدید وجهه خود از جملاتی استفاده میکنند که ممکن است بی‌ادبی کلامی محسوب شود. پژوهش حاضر تلاشی برای بررسی راهبردهای بی‌ادبی کلامی علیه زنان در سینمای دهه‌های هشتاد و نود از منظر نظریه کالپپر (۱۹۹۶) بود که پس از بررسی داده‌های بدست‌آمده از چهار فیلم «ترانه ۱۵ سال دارم» و «جدایی نادر از سیمین» از دهه هشتاد و «ابد و یک روز» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از دهه نود به نتایج زیر دست پیدا کرده است.

در پاسخ به پرسش اول میتوان گفت بی‌ادبی کلامی و انواع راهبردهای آن در فیلمهای مورد نظر توسط شخصیت‌های فیلمها بکار رفته است که در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» بی‌ادبی مثبت از بیشترین و بی‌ادبی کنایه‌دار از کمترین بسامد برخوردار بودند، در حالیکه در «جدایی نادر از سیمین» بیشترین بسامد متعلق به بی‌ادبی مثبت و کمترین بسامد از آن بی‌ادبی آشکار بود. در فیلم «ابد و یک روز» بیشترین راهبرد بی‌ادبی بکار رفته مربوط به بی‌ادبی منفی و کمترین آنها بی‌ادبی کنایه‌دار بوده است. در فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» بی‌ادبی آشکار بیشترین و بی‌ادبی کنایه‌دار کمترین بسامد را داشته‌اند. با توجه به اینکه میزان تحصیلات باعث بوجود آمدن تنوعات زبانی گوناگون میشود و از آنجایی که تحصیلات منعکس‌کننده طبقه اجتماعی افراد نیز میباشد پس انتظار می‌رود افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند از بی‌ادبی کلامی کمتری استفاده کنند که در فیلم «جدایی نادر از سیمین» شاهد بی‌ادبی‌های کلامی کمتری نسبت به فیلم «ابد و یک روز» و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» بودیم، جایگاه اعتیاد و فقر باعث تقویت خشونت علیه زنان میشود و ما شاهد خانواده‌هایی با یک سیستم معیوب

هستیم که با دیگر سیستم‌های معیوب مانند خانواده اطرافیان، محله و جامعه در ارتباط است و هم از آنها تأثیر می‌گیرد و هم بر آنها تأثیر می‌گذارد. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که در قشر پایین جامعه رایجترین راهبرد بی‌ادبی علیه زنان بی‌ادبی منفی است. علت این امر را میتوان در فضای مردسالار حاکم بر جامعه دید که در آن به صورت نظام‌مند نیازهای مثبت زنان از جمله نیاز به پذیرفته و تشویق شدن را نادیده انگاشته و همدلی چندانی با آنان نمیشود یا نیازهای منفی آنها، از جمله نیاز به حریم خصوصی و حق انسان بر بدن خویش نادیده گرفته شده و مورد بی‌ادبی منفی قرار می‌گیرند. اما در قشر متوسط جامعه رایجترین راهبرد بی‌ادبی علیه زنان بی‌ادبی مثبت است.

در راستای پاسخگویی به پرسش دوم این پژوهش میتوان گفت با پژوهش رحمانی (۱۳۹۳) که به بررسی قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمانهای نوجوانان فارسی زبان پرداخته است همراستا میباشد. تحلیل آماری نشان میدهد که بین جنسیت و راهبردهای بی‌ادبی بکار رفته تفاوت معنادار وجود دارد یعنی مردان نسبت به زنان از راهکارهای بی‌ادبی بیشتری استفاده کرده‌اند. یکی از متغیرهای اجتماعی که در کاربرد زبان تأثیر به‌سزایی دارد و باعث تفاوت زبانی میشود جنسیت است. سلطه‌گری مردان باعث تسلط آنان بر زنان است، از اینرو، بی‌ادبی آشکار در کلام آنان رایجتر است. زنان در فرهنگ و جامعه ایرانی مسئول تربیت و آماده‌سازی فرزندان خود برای جامعه هستند و این انتظار می‌رود که آنها از بی‌ادبی کمتری استفاده کنند.

در پاسخ به پرسش سوم، داده‌ها نشان می‌دهند که جنسیت و بافت اجتماعی با هم تعیین میکنند که از چه نوع راهبرد بی‌ادبی استفاده شود. پاسداری از گفتمان قدرت و پایبند کردن اعضای خانواده و جامعه به نظام ارزشی مردسالاری، موجب بی‌ادبی کلامی و تهدید وجهه افراد زبردست و زنان میشود. در جامعه‌ای با ارزشها و فرهنگ جمعی اینگونه تهدید وجهه میتواند بسیار رایج باشد. زنان به حاشیه رانده میشوند، به ویژه زمانی که ارزشهای موجود و سیمای سنتی زن را به چالش میکشند. خشونت کلامی در سطح جامعه به عنوان یک ناهنجاری اخلاقی به شمار می‌رود، طوریکه رفتار پرتنش حتی تا صحنه به قتل رساندن یک زن (شهره) توسط برادر کوچکتر پیش می‌رود. یک اتفاق کوچک در یک محیط بسته و در یک خانواده میتواند باعث بروز اتفاقات خطرناک و تاسف‌بار شود. اتفاقاتی که بدلیل شرایط محیطی نامناسب مثل حاشیه‌های شهر و تعصباتی که پیشینه‌ای طولانی دارند، روی میدهند. بی‌ادبی آشکار در گفتگوهای مرد با مرد (به‌خصوص در بافت درگیری یا رقابت) بسیار شایعتر و بی‌ادبی غیرمستقیم هم در کنایه‌ها و متلکها فراوان مشهود بود. با توجه به اینکه فیلمهایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند از نوع اجتماعی بوده و محدودیت سنی برای آنها به هنگام نمایش در نظر گرفته نمیشود انتظار می‌رود گفتگوهای که شخصیت‌های فیلمهای سینمایی استفاده میکنند از جملاتی که حاوی بی‌ادبی هستند کمتر استفاده شود ولی چون این فیلمها بازتاب شخصیت‌های جامعه‌ای هستیم که در آن زندگی میکنیم میتوان استفاده از راهکارهای بی‌ادبی را امری طبیعی دانست. بر مبنای این رهیافت جدید پیش‌بینی میشود که بتوان در سایر ژانرهای نمایشی از جمله تئاتر، سریالهای تلویزیونی پژوهشهایی را بر مبنای راهبردهای بی‌ادبی بصورت مستقل و یا مقایسه‌ای انجام داد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه استخراج شده است. راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسندهٔ مسئول بوده‌اند.

..... بعنوان مشاور و دانشجو پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدر دانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Brown, P., & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*
- Butler, J. (2006). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity* (1st ed.). Routledge .
- Chalupnik, M., Christie, C., & Mullany, L. (2017). (Im)politeness and gender. In J. Culpeper, M. Haugh, & D. Z. Kádár (Eds.), *The Palgrave Handbook of Linguistic (Im)politeness* (517-537).
- Culpeper, J. (1996). Towards an anatomy of impoliteness *Journal of Pragmatics*, 25.349-367 .
- Culpeper, J. (2011). *Impoliteness: Using language to cause offence* (Vol. 28). Cambridge University Press.
- Darikvand, Z. (2018). A Linguistic Study of Verbal Impoliteness in Iranian Films (Case Study: The Films *We Won't Get Used to It* and *'Life and a Day'*). *Zabankavi Journal*, Vol. 4, No. 6, pp. 71-88. [In Persian]
- Farhadi, A. (Director). (2011). *A Separation* [Film]. Iran: Film-saz.
- Goffman, E. (1967). *Interaction ritual: Essays on face-to-face behaviour*. New York: Doubleday
- Habermas, J. (1990). A Review of Gadamer's *Truth and Method*. In G. L. Ormiston, & A. D. Schrift (Eds.), *The Hermeneutic Tradition: From Ast to Ricoeur* (pp. 213-244). Albany, NY: State University of New York Press .
- Holmes, J. (1995). *Women, Men and Politeness*. Harlow: Addison, Wesley, Longman.
- Kapoor, S. (2016). *Impoliteness in Indian YouTube comments: how do users express themselves*. M.A. Thesis in Applied linguistics, National Institute of education, Nanyang Technological university .
- Mills, S. (2003). *Gender and politeness* (Vol. 17). Cambridge: Cambridge University Press.
- Namvar, Zahra. (2019). *Manifestations of Verbal Impoliteness on Television Within the*

- Framework of Culpeper's Discourse Theory. *Scientifi Quarterly of Audiovisual Media*, Vol. 13, No. 29, pp. 227-252.
- Neurauter-Kessels, M. (2011). "Im,polite reader responses on British online news sites". *Journal of Politeness Research*, 7(2):187-214.
- Rahmani, H. (2013). A look at power and gender from the perspective of politeness and impoliteness in Persian young adult novels. *Journal of Language and Linguistics*, 20(10), 67-نود.
- Roustayi, S. (Director). (2015). *Life and a Day* [Film]. Iran: Film-saz.
- Seyedi, H. (Director). (2017). *Sheeple* [Film]. Iran: Film-saz.
- Shofyah, N.W. (2015). *The Use of Impoliteness Strategies in Easy A Movie*. B.A. Thesis of English litrerture. State Islamic University Sunan Kalijaga, Yogyakarta.
- Tavakoli, R. (Director). (2001). *I Am Taraneh, 15 Years Old* [Film]. Iran: Film-saz.
- Wicaksono, E. B. (2015). *Impoliteness Used in Action Movies*. Skripsi thesis, Universitas Muhammadiyah Surakarta.

فهرست منابع فارسی

- باتلر، ج. (۲۰۶۶) آشفتگی جنسیتی: فمینیسم و برهم‌زدن هویت (ویرایش اول). روتلج . براون، پ. و لوینسون، اس. (۱۹۸۷). ادب: برخی جهان‌شمول‌ها در کاربرد زبان. توکلی، ر. (۱۳۸۰). من ترانه ۱۵ سال دارم [فیلم]. ایران: فیلم‌ساز.
- چالانیک، م.، کریستی، س.، و مولانی، ل. (۲۰۱۷). (بی‌ادبی و جنسیت. در: جی. کولپپر، ام. هاو، و دی. ز. کادار (ویراستاران)، کتاب راهنمای پالگریو (بی‌ادبی زبان‌شناختی صص. ۵۱۷-۵۳۷.
- داریکوند، ز. (۲۰۱۸). مطالعه‌ای زبان‌شناختی بر بی‌ادبی کلامی در فیلم‌های ایرانی (مطالعه موردی: فیلم‌های «ما نمی‌دانیم» و «زندگی و روزی دیگر. فصلنامه‌ی زبان‌کاوی (Zabankavi Journal) ، ۴(۶)، صص. ۷۱-۸۸ . رحمانی، ج. (۱۳۹۲). نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان. زبان و زبان‌شناسی، ۱۰. نود-۶۷، (۲۰).
- روستایی، س. (۱۳۹۴). ابد و یک روز [فیلم]. ایران: فیلم‌ساز
- سیدی، ه. (۱۳۹۶). مغزهای کوچک زنگ‌زده [فیلم]. ایران: فیلم‌ساز.
- شوفیه، ن. و. (۲۰۱۵) کاربرد راهبردهای بی‌ادبی در فیلم «ایزی‌ای» (پایان‌نامه‌ی کارشناسی در ادبیات انگلیسی). دانشگاه اسلامی دولتی سونان کالیجاگا، یوگیاکارتا .
- فرهادی، ا. (۱۳۸۹). جدایی نادر از سیمین [فیلم]. ایران: فیلم‌ساز.
- کاپور، س. (۲۰۱۶). بی‌ادبی در نظرات یوتیوب هندی: کاربران چگونه خود را بیان می‌کنند (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در زبان‌شناسی کاربردی). مؤسسه ملی آموزش، دانشگاه فناوری نانیانگ .
- کولپپر، ج. (۱۹۹۶). به سوی کالبدشکافی بی‌ادبی. مجله‌ی زبان‌شناسی کاربردی (Journal of Pragmatics) ، ۲۵(۳)، صص. ۳۴۹-۳۶۷ .
- کولپپر، ج. (۲۰۱۱). بی‌ادبی: کاربرد زبان برای ایجاد توهین (جلد ۲۸). انتشارات دانشگاه کمبریج.

گافمن، ا. (۱۹۶۷) آیین تعامل: جستارهایی درباره رفتار رودرو. نیویورک: دابل‌دی.
میلز، س. (۲۰۰۳). (جنسیت و ادب) (جلد ۱۷). کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
نامور، زهرا. (۲۰۱۹). نموده‌های بی‌ادبی کلامی در تلویزیون در چارچوب نظریه گفتمان کولپپر. فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری شنیداری (Scientifi Quarterly of Audiovisual Media)، ۱۳ (۲۹)، صص. ۲۲۷-۲۵۲.
نویراوتر-کسلز، م. (۲۰۱۱). واکنش‌های «کم‌ادب» خوانندگان در پایگاه‌های خبری آنلاین بریتانیا. مجله پژوهش ادب (Journal of Politeness Research)، ۷ (۲)، صص. ۱۸۷-۲۱۴.
ویکاکسونو، ای. بی. (۲۰۱۵). بی‌ادبی به کاررفته در فیلم‌های اکشن (پایان‌نامه). دانشگاه اسلامی محمدیه سوراکارتا.
هابرماس، ج. (۱۹۹۰). مروری بر «حقیقت و روش» گادامر. در: جی. ال. اورمیستون و ای. دی. شریف (ویراستاران)، سنت هرمنوتیک: از آست تا ریکور (صص. ۲۱۳-۲۴۴). آلبانی، نیویورک: انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک.
هولمز، ج. (۱۹۹۵). زنان، مردان و ادب. هارلو: ادیسون، وسلی، لانگمن.

معرفی نویسندگان

کتابیون کیانپور: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: Katayuon.Kiyanpour@iau.ir)

(ORCID: 0009-0003-9085-3729)

بهزاد رهبر: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(Email: behzadrahbar@atu.ac.ir (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0002-9275-8251)

محمدرضا اروچی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Email: mohammadreza.oroji@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0445-8169)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Katayuon Kiyanpour: Department of Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: kimia.kiyanpour@iau.ir)

(ORCID: 0009-0003-9085-3729)

Behzad Rahbar: Department of Linguistics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

(Email: behzadrahbar@atu.ac.ir : (Responsible author))

(ORCID: 0000-0002-9275-8251)

Mohammadreza Orojji: Department of Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

(Email: mohammadreza.oroji@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0445-8169)